

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یوسف هایال اوغلو، سراینده ترانه های احمد کایا
برگردان و ارسال از: بهرام رحمانی
۱۳ مارچ ۲۰۲۰



مادر

مادر، من هیچ گاه تیر و کمان نداشتم
نه پرنده ای را زده ام
نه شیشه کسی را شکسته ام
اما، بچه چندان خوبی هم نبودم
هیچ گاه دلت را نشکستم، همیشه گردن خود را شکستم
من در طول زندگی، همیشه خود را آزردم
هرچند ساکت به نظر آیم
مغرور و شورشی ام مادر
مانند یک نیزه
همیشه در مقابل آئینه
صاف ایستاده ام مادر
من هیچ گاه کاری نکردم که به تو بد بگویند
یا آبرویت لکه دار شود
اما مشت های زیادی به سینه ام کوبیده ام
قلبم را بسیار فرسوده کرده ام
من در طول عمرم، بیش از همه خود را محاکمه کرده ام
من هیچ گاه معشوقه ای نداشتم مادر
نه آشیانه ای ساختم
نه هیچ گاه بخت با من یار بود

عمرم هدر شد
بدون آن که، حتی کودکم را ببوسم
هرکه را از صمیم قلب دوست داشتم
دلش را به دیگری داد
یک مرغ عشق داشتم، که آن هم از تنهائی دق مرگ شد
مگر تو همیشه مرا با تلخی ها شیر دادی مادر؟
یا به اسم فرزند سنگی بزرگ زائیدی مادر؟
اذیت نیستم، در زحمت نیستم، به هیچ وجه در فلاکت نیستم
تنها روی عسل تو مگس نشست؟ بگو؟
خب مرا به دنیا آوردی،
اما با چه سرشتی؟
من هیچ رؤیائی نداشته ام مادر
نه برای تو آسایش به ارمغان آوردم
نه خود روی آسایش دیدم
در این زندگی حتی یک عکس شاد هم از ما گرفته نشده
مانند کلیدی گم شده بی صاحبم مادر
نه دست نوازش گر بر شانه ام
نه دست مهربانی بر موهایم
مانند گل و لای بی فایده روان روی جاده هایم مادر
خیس شدنم
لرزیدنم
مانند بارانم مادر
سالیان سال اشک هایت را در کدامین دریا ریختی مادر
آه بمیرم من
تو مرا به چه امید زائیدی مادر؟
زندگی مگر چیست مادر؟
یک قصه! یک بازی نیست مگر؟
ببین، اسباب بازی هایم شکست
عمرم گذشت
عشقم هدر شد
باور کن من هیچ گاه بزرگ نشدم.